



۲۰۲۱/۰۱/۰۳



احسان الله میار

## صفحه ای از تاریخ

قسمت بیستم (۱)

اینک بعد از یک مکث مختصر سلسله عنوان بالا ادامه می یابد:

۷ - ۱۴ نومبر ۱۹۸۲ گذارش سفر محمد اکبر سیفی به ریکیاویک ایسلاند

قبل بر این شورای اجرائیه جمعیت تحکیم وحدت OSULA تصمیم گرفته بود تا به دعوت اتحادیه محصلین دیموکراتهای مسیحی ولیبرالهای کشور های غربی جواب مثبت بدهد. بهمین اساس تجویز گردید تا دپلوم اقتصاد محمد اکبر سیفی به نمایندگی جمعیت در اجلاس سالانه اتحادیه که قرار است در ریکیاویک پایتخت ایسلاند دایر گردد، سهم بگیرد.

فشرده راپور محمد اکبر سیفی:

۷ نومبر مواصلت به میدان هوایی کیفلانیک: پذیرایی از طرف پروفیسر تور ویدهید Thor Whithead، رئیس اتحادیه محصلین ایسلند و دو نفر اعضای اداره موصوف. عزیمت بوسیله موتر جانب پایتخت ایسلند، ریکیاویک، بعد از سفر یکساعته مواصلت به شهر و محل اقامت ساعت ۶ شام، هتل زاگا.

۸ نومبر: بهمراهی پروفیسور تور ویدهید، بازدید از تاسیسات پوهنتون و مذاکره در باره پروگرام.

برای کارگردانان کنفرانس وعده ای از علاقمندان اساسنامه "جمعیت تحکیم وحدت، اسولاً" و همچنان یاد داشت مرتبه اسولا در باره چگونگی بحران افغانستان توزیع گردید.

۹ نومبر: ملاقات با روسای فراکسیون های پارلمان ایسلند، برایم دلچسپ بود که هر کدام از ایشان در مسائل افغانستان کاملاً وارد بودند و روی امکانات همکاری با مبارزین آزادیخواه افغانستان عمیقاً بحث کردند.

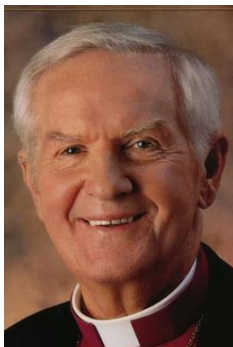
بعد از ظهر مصاحبه با شرکت چهار نفر ژورنالیست از روزنامه های معتبر کشور.

قبل از مصاحبه، فیلم رویداد های جهاد افغانستان را که با خود داشتم به نمایش گذاشتم، که مورد علاقه شان قرار گرفت. بعد از ختم فیلم مصاحبه صورت گرفت که بیشتر در مورد ساختمان اجتماعی افغانستان قبل از کودتاهای

نظامی و چگونگی رویکار آمدن کمونیستها در افغانستان و همچنان انگیزه قیام مردم افغان بر ضد رژیم دستنشانده شوروی در کابل و تجاوز قوای شوروی در کشور، میچرخید.

۱۰ نومبر: ملاقات با رئیس اتحادیه کارگران ایسلند و دو نفر معاونین وی در اداره

اتحادیه. (اسم رئیس اتحادیه اسموندلر ستیفنسن (Asmundar Stefanson) بعد از



مذاکرات دو ساعته و روشنی انداختن بالای بحران افغانستان، همبستگی وحمایه خود را از جهاد مردم افغان اعلام کردند.

ساعت ۱۱ قبل از ظهر ملاقات با اسقف [Bishop Petur Sigurgeirson](#) وی از چگونگی اوضاع در افغانستان معلومات خواسته و بعد از ارائه راپور فوق العاده متحسس گردیده و وعده کرد که به کلیساهای آيسلند از ناروايیهای شوروی در افغانستان یاد خواهد شد .

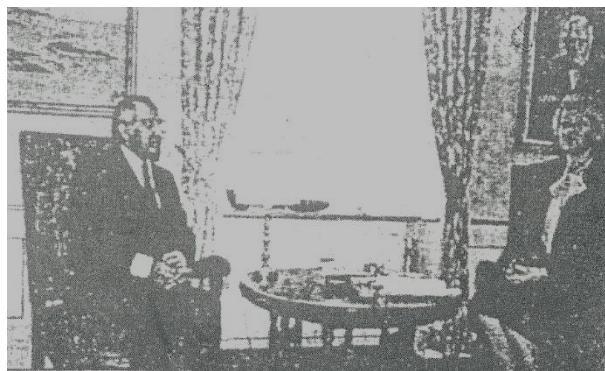
ساعت ۴ بعد از ظهر: مصاحبه با تلویزیون آيسلند که در شب ۱۲ نومبر در سراسر کشور پخش شد.

(یاد آوری: نشر مصاحبه بنده بعد از اعلام مرگ بریژنف در ماسکو صورت گرفت)

۱۱ نومبر: ملاقات با معین وزارت خارجه و بحث در اطراف ساختمان "جمعیت تحکیم وحدت، اسولا."

۱۲ نومبر: ساعت ۱۰ قبل از ظهر ملاقات با جلالتمآب رئیس جمهور آيسلند در مقر ریاست جمهوری.

جلالتمآب موصوف بیشتر به تاریخ فرهنگ افغانستان صحبت کرده و معلومات خواست...



### Vigdís Finnbogadóttir

رئیس جمهور آيسلند و دیپلوم کوفمن محمد اکبر سیفی در قصر ریاست جمهوری (یاد آوری: شاید این اولین باری باشد که رئیس جمهور آيسلند با يك افغان ضد شوروی ملاقات میکند)

ساعت ۱۱،۳۰ قبل از ظهر ملاقات با سفیر کبیر امریکا در آيسلند. وی در امور افغانستان کلاً وارد بوده و مصاحبه های اینجانب را با علاقمندی تعقیب کرده است. سفیر امریکا از جهاد مردم با شهامت افغانستان با وصف زیاد یاد کرده علاوه کرد که مردم امریکا و حکومت آن ملت افغان را در مبارزات برحق شان تنها نخواهی گذاشت و همچنان از تحرکهای بیرون مرزی افغانی نیز طرفداری خواهد کرد. ختم

۱۰ - ۱۵ دسامبر در دهلی و از ۱۶ - ۱۲ - ۱۹۸۲ الی ۲۷ - ۱ - ۱۹۸۳ در پاکستان.

خلاصه راپور سفر مؤلف:

بعد از آنکه مامور ویژه سفارت پاکستان در بن با حقارت، جواز سیر و سفرم را بدون صدور ویزه بدستم داد، مجبور شدم برای گرفتن ویزه به قنصلگری هند مراجعه کنم. بعد از طی فورمالیته ها و ارائه راست و دروغ در باره مقصد سفرم ویزه هند را بدست آوردم. در نظر دارم تا در دهلی با کمک دوستان افغانی در هند ویزه پاکستان را آنجا بگیرم.

روز ۱۰ دسامبر توسط خط هوایی پان امریکن از فرانکفورت پرواز و بعد از ۸،۳۰ ساعت پرواز مستقیم ساعت ۴ صبح روز ۱۱ دسامبر به دهلی مواصلت کردم. بعد از سرگردانی برای یافتن اطاق حوالی ۷ صبح در هتل جان پت يك اطاق میسر شد.

(معلومات احصائیوی: بهای يك دالر امریکایی ۶۵، ۹ روپيه و کرایه اطاق ۳۰۰ روپيه در روز) بعد از استراحت مختصر با یکی از هموطنان، محمد کبیر حکیم، که با وی قرابت فامیلی دارم تماس گرفتم. قرار شد که بعد از ظهر با هم ببینیم. با محمد کبیر موضوع ویزه پاکستان را مطرح کرده و هم در باره انگیزه بوجود آمدن "جمعیت تحکیم وحدت، اسولا" مختصراً معلومات دادم که طرف مورد علاقه وی قرار گرفت. قبل از ظهر روز بعدی (۱۲ دسامبر) کبیر حکیم با يك تعداد جوانان، ۱۴ نفر بودند به هتل نزد آمد و تا ساعت ۸ شب در باره اوضاع افغانستان، وضع زندگی مهاجرین افغانی در هند و همچنان فعالیت‌های ضد رژیم کابل در هند بحث‌های دلچسپ صورت گرفت. در رابطه با "جمعیت تحکیم وحدت، اسولا" سوالهایی داشتند که با ارائه کاپی اساسنامه و همچنان تفصیل روی انگیزه تشکل و خواسته‌های جمعیت و ترکیب اشخاص آن جوابهای شان داده شد. بعد از گفت و شنود در پرنسپ چنين ساختمان سیاسی را در این مقطع زمان مفید تشخیص کرده و وعده همکاری دادند. قرار معلوم آنها مربوط به تشکلی هستند که با جمعیت اسلامی افغانستان، برهان الدین ربانی، رابطه دارند.

(یاد آوری: متأسفانه لیست نام آنان در بین یاد داشتهایم نبود و گرنه یاد آوری آنها امر لازم بود. اما محمد کبیر حکیم بحیث سخنگوی شان در صحبتها بیشتر سهم داشت).

۱۳ - ۱۲ - ۱۹۸۲

محمد کبیر حکیم معلومات زیر را برایم داد:

افغان ملت انشعاب کرده که از جمله کارگردانان آن میتوان گروه پشتونیار، واکمن و رحیم کامه وال را نامید و همچنان از گروه دیگری تحت نفوذ عزیزالرحمن الفت یاد کرد.

- محمود فارانی با ربانی در اسلام آباد همکاری دارد.

- از اتحادیه سمت شمال سرور اکبری مربوط به ستم ملی و نفر خاد (رژیم کابل) میباشد.

- وی مشوره داد تا با این اشخاص در پشاور ببینم که شخصیت‌های قابل اعتماد میباشند: دگروال عبدالروف، قومنان غند اسمار، میرزمانخان قوماندان حرکت انقلاب اسلامی، نظری مسؤل کمیته نظامی جمعیت.

- علاوه بر این اسماء يك تعداد اشخاص دیگر را که ضرورت به توضیح شان نیست برایم معرفی کرد.

- محمد کبیر حکیم مکتوبی عنوانی نظری بدین مضمون برایم داد تا در صورت ضرورت با او تماس بگیرم:

آدرس: آقای زبیر نظری، آمر اخذ خبر کمیته نظامی جمعیت اسلامی افغانستان، فقیر آباد زریاب کالونی.

روز ۱۴ دسامبر، بدون توضیح تفصیل آن بالاخره باکامک کبیر حکیم و دوستش ویزه پاکستان را بدست آوردم که بدون واقعه الهی فردا ۱۵ دسامبر جانب لاهور پشاور، پرواز خواهم کرد.

چهار شنبه ۱۵ - ۱۲ - ۱۹۸۲

ساعت ۳ بعد از ظهر توسط خط هوایی ایران‌دیا به نیت لاهور پرواز کردم.

(قیمت تکت يك طرفه از دهلی الی لاهور ۷۳۳ روپيه هندی معادل به ۷۶ دالر امریکایی+)

بعد از ۴۵ دقیقه پرواز، مواصلت به لاهور.

ساعت ۷ شام توسط پی آی ای از لاهور پرواز و بساعت ۸،۳۰ به پشاور رسیده و در نیوگرین هتل، صدر رود اطاق گرفتم. (قیمت اطاق ۱۲۰ روپيه+).

(قیمت تکت از لاهور الی پشاور ۳۷۵ روپيه پاکستانی+)

+ یاد دهانی این ارقام صرف جنبه احصائیوی دارد تا روزی با يك ديگر مقایسه شده بتواند. قبل بر این با يك تعداد از دوستانم در پشاور با هم مكاتبه داشته و فردا با آنها تماس خواهم گرفت.

۱۶- ۱۲ - ۱۹۸۲

ساعت ۹ صبح به شفاخانه اتحاد مراجعه کردم و داکتر ضیاء احمد زهین را تقریباً بعد از ۴ سال دوباره دیدم. شفاخانه ابن سینای بلخی، که زهین در رأس آن قرار دارد، در تهکال پائین، ارباب اونيو ۱ قرار داشته و وضع آبرومندی دارد.

زهین مرا با اعضای اداری و مسلکی معرفی کرد و بعد صحبت در باره وضع عمومی شفاخانه از آنجا دیدن کردم. شفاخانه ابن سینا دارای ۳۰ بستر، ۱۰ بستری برای جراحی و ۲۰ بستر برای داخله، میباشد و همچنان برای وقایع عاجل ۳۵ بستر دارد. تعداد مراجعین پولیکلینیک روزانه ۱۵۰- ۲۰۰ می باشد. داکتر زهین اظهار داشت که بعضی زخمیهای جبهات جنگ راپور داده اند در اثر پرتاب بمبهاییکه از آن دود زرد و یا سیاه فوران میکند که مجاهدین بیحال شده و می مردند. داکتر زهین این مطلب را باطلاع خبر نگاران رسانیده است.

در تشکیل شفاخانه، اشخاص مسلکی ذیل به هموطنان خود خدمت میکنند:

رئیس: پوهاند داکتر ضیاء احمد زهین،

معاون و آمر شعبه عقلی و عصبی: داکتر عبدالله عثمان،

شعبه جراحی: داکتر محمدانور

شعبه نسایی: داکتر مهمند

شعبه داخله: داکتر سید یعقوب شاه، داکتر حسین مهمند، داکتر خلیل الرحمن فیض، داکتر گل رحمن و داکتر عتیق غنی

شعبه گوش و گلون: داکتر عبدالجمیل

شعبه چشم: پوهاند میر عبدالقادر صدیق و دگروال داکتر عبدالحمید مجاهد

از کمبود ادویه و وسایل طبی در شفاخانه بصراحت یاد شد و از افغانهای مقیم در اروپا و امریکا تقاضا کردند تا در بهبود وضع شفاخانه کمک کنند.

بعد از بازدید شفاخانه با داکتر زهین و عثمان در اطاق کار شان گردهم نشستیم و از اوضاع کشور و فعالیتهای افغانها در خارج صحبت کردیم.

در اتحاد مجاهدین اسلامی، سه تنظیم ملیگراها، حضرت صبغت الله مجددی برای دوره دوم بحیث رئیس انتخاب شده. شورای عالی اتحاد مشتمل بر ۶۷ عضو بوده و در این او اخر پوهاند عبدالسلام عظیمی، سابق رئیس انستیتوت قانونگذاری وزارت عدلیه، سید موسی عشعری، سابق معاون انستیتوت قانون گذاری و محمد قاسم سابق رئیس حجاج در شورا اضافه شده اند. شورای اتحاد هر دوشنبه از ساعت ۱۰ - ۲ بعد از ظهر اجلاس میکند که در آن هر سه رهبر جهاد، محمدی، گیلانی و مجددی (رئیس اتحاد) شرکت نموده و روی مسائل روز بحث میشود.

از صحبت هر دو داکتر طب، که اعضای شورا هستند، طوری مینمود که وضع اداره جهاد و مسائلیکه در شورا مورد بحث قرار میگردد، طبق دلخواه شان نبوده بلکه کمبودیهای در آن پنهان است که مانع موفقیت و پیشرفت در امور جهادی میشود.

داکتر زهین در بارهٔ فعالیت‌های اعلیحضرت محمد ظاهر شاه در روم معلومات خواست و بنده تا جائیکه اطلاع داشت برایشان توضیحات داد. داکتر زهین چندین بار تکرار کرد که یگانه شخصیتی که می‌تواند رهبری مجاهدین و زعامت ملت افغانرا داشته باشد، محمد ظاهر شاه است و بس. این نظر با تفصیل بیشتر و تحلیل عمیقتر از طرف داکتر عثمان نیز تائید گردید.

من در بارهٔ نهضت "جمعیت تحکیم وحدت، اسولا" و اشخاصیکه در آن شامل هستند به تفصیل صحبت کردم. بعد از صحبت‌های طولانی هر دویشان این عملیه را ستوده و گفتند در صورتیکه اعلیحضرت محمدظاهرشاه بنحوی شامل این پروسه ملی باشند، یقیناً محور شایسته ای برای قشر تعلیم یافتهٔ افغان و مردمان بادرد وطن‌دوست افغان شده می‌تواند. هر دو دوستان مشوره دادند تا بدفتر اتحاد رفته و با حضرت صبغت الله مجددی، رئیس اتحاد دیدن کنم، من که این دیدار را خود در پروگرام داشتم نظر شانرا به خوشی و امتنان شنیدم. همچنان اظهار داشتند که از لیسۀ حضرت ابوبکر صدیق (رض) بازدید کنم تا در صورت امکان برای آنها مراجع کمک رسانی را از اروپا پیدا کنم.

۱۹۸۲/۱۲/۱۷

ساعت ده صبح بدفتر اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان، چارسده اده، که خارج از شهر پشاور قرار دارد، مراجعه کردم. در تعمیر نسبتاً بزرگ اتحاد، حرکت انقلاب اسلامی افغانستان برهبری مولوی محمد نبی محمدی، جبهه نجات ملی افغانستان برهبری حضرت صبغت الله مجددی و محاذ ملی افغانستان برهبری پیر سید احمد گیلانی مراکز اداری خود را قرار داده اند و يك تعداد زیاد مامورین ته و بالا میرفتند.



بعد سوال از دفتر رئیس اتحاد، حضرت صبغت الله مجددی، شخصی مرا به منزل اول رهنمایی کرد. وقتی بمنزل بالا رسیدم از وی تشکر کرده و رو گشتاندم تا داخل دفتر شوم که تصادفاً در کنج برنده وکیل سدو اصیل را، زیر شعاع ملایم آفتاب، مصروف نوشیدن چای دیدم. بعد از مصافحه براریم چای طلبید. با هم از زمان گذشتهٔ کشور زیبای ما و حالت امروزی آن صحبت کردیم. اصیل از وضع جهاد و طرز اداره آن چندان دل خوش نداشته و عقیده

یادگار با سدو اصیل (عکاسی در دکان فوری قدیمی) دارد که رهبران جهادی آنقدر تحت نفوذ دستگاه استخبارات نظامی پاکستان قرار دارند که از خود تصمیمی گرفته نمیتوانند. وی اظهار داشت که چشم انتظار مردم جانب اروپا مخصوصاً بطرف محمد ظاهر شاه پادشاه سابق افغانستان متوجه بوده و هر يك به نوحی بانتظار هستند که صدایی از روم بالا شود. اصیل آدرس هتل مرا گرفت و خدا حافظی کرد.

من داخل اطاق رئیس اتحاد حضرت صبغت الله مجددی شدم. حضرت با لطفیکه دارد از من پذیرایی کرد و مرا به يك تعداد کثیری از مراجعین که در اطاق حاضر بودند معرفی کرد. در جمله کسانی که حاضر بودند با چند نفر شان از گذشته دوستی و آشنایی داشتم که اسحق عثمان و توریالی عثمان جز و آنها بودند. پیشآمد و طرز صحبت محمد گلاب ننگر هاری معاون و آمر اداری حضرت مجددی نسبت بدیگران توجه بیشتر مرا بخود جلب کرد.



از سفر خود و از رابطه ام با "جمعیت تحکیم وحدت، اسولا" مختصراً تذکر دادم که مورد علاقه شان قرار گرفت. حضرت مجددی بیشتر دلچسپی نشان داد و این صحبت را برای آینده موکول کرد و قرار شد که در منزلش در باره آن بیشتر صحبت و مذاکره کنیم.

بعد خدا حافظی از حضرت مجددی اسحق عثمان مرا همراهی کرد. در برنده سدو اصیل هنوز هم انتظار می کشید. سدو اصیل از ما دعوت کرد که بزودی در منزل وی جمع شده و با یک تعداد دوستان از نزدیک ببینیم. بعد از ظهر بهمراهی اسحق عثمان و داکتر زهین با روشندل وردگ دیدم که پسرش سردار محمد نیز حاضر بود. در باره اوضاع کشور و وضع جهاد صحبت کردیم. روشندل وردگ در باره روحیه مردم و مبارزه شان در داخل معلومات داد، لیکن مشکلات رهبری را در پشاور، محتاطانه، بیان کرد.

در باره "جمعیت تحکیم وحدت اسولا" نیز صحبت بمیان آمد. وی بیشتر در اطراف اشخاص داخل این نهضت صحبت کرد و در اصل آنرا یک حرکت سالم ارزیابی نمود. بعد از صحبت مختصر با روشندل وردگ به منزل محمد عمر ببرک زی رفتیم، در نظر است که وی با یک تعداد مجاهدین، بشمول داکتر عزیز الله لودین، رئیس سیاسی اتحاد، بحیث شاهد در محکمه پاریس (۱۶ - ۲۰ دسامبر) سهم بگیرد. پدرش شیر محمد ببرک زی که یک مجاهد سرشناس است در صحبت ما شرکت داشت.

عمر ببرکی مرد جوان مجاهدی را بنام گل محمد بما معرفی کرد، او نیز در محکمه پاریس سهم میگیرد، گل محمد از پاتخواه شانه ولایت لوگر است که رویداد سانحه وچشمدید خود را بما چنین باز گفت: "ساعت ۶ صبح روز ۲۲ میزان یک تعداد (۱۰۵ نفر بشمول اطفال) اهالی قریه بعد از اطلاع از ورود قوای شوروی در منطقه، برای نجات خود داخل یک کاریز پنهان شده بودند. روسها بعد از تلاشی منازل متوجه دهانه کاریز شدند و دریافتند که اهالی قریه در آنجا پناه بسته اند. روسها تانک پترول را داخل کاریز تخلیه کرده و بعد دو بیرل مایع زرد رنگ و یک بوجی پودر سفید را در کاریز انداختند. حین اجرای این کار همه شان ماسک به صورت خود داشتند. بعد از آن از فاصله نسبتاً دور بارگبار مسلسل و پرتاب گلوله های آتش افروز بالای دهانه کاریز انفجار مدهشی رخ داده که تمام اطراف قریه را تکان داد.

ما (مجاهدین) از مخفیگاه های خود بیرون شده و بعد از دو روز از قریه بازدید کردیم. یک تعداد کسانیکه در مخفیگاه ها زنده مانده بودند به کمک شان در بیرون کشیدن اجساد از کاریز اقدام کردیم. اجساد را که بدست میگرفتیم، گوشتهایشان از استخوان جدا شده و از هم میپاشید. در دیوارهای کاریز پارچه های گوشت انسان چسبیده بود و ما بجز اسکلیت انسانها دیگر چیزی از آنها به چشم ندیدیم. حین صحبت صدای وی گرفته واشک در چشمانش حلقه زده بود.

این بود شمه ای از حال مردم بیگناه افغان!!!

قرار است هیئت روز ۱۹ دسامبر عازم پاریس شوند.

ساعت ۸ شب داکتر زهین، اسحق عثمان و سردار محمد روشن به هتل آمدند. تا حوالی ۱۱ شب در باره اوضاع جهاد و پشاور صحبت شد و در نتیجه همه به این توافق رسیدیم که باید قشر روشنفکر افغانی و شخصیتهای شناخته شده جامعه افغانی گردهم آمده مرکز فعالیت خود پاکستان را قرار بدهند و برای جلوگیری از پراگندگی بیشتر با خلوص نیت موید و تقویه کننده جهاد شده و از رقابت با رهبران جهادی پرهیز کنند.

ساعت ۱۰ صبح به لیسه ابوبکر صدیق (رض) رفته و از طرف هیئت تدریسی و مدیر لیسه، سید محمد صاحبزاده، با محبت پذیرایی شدم. لیسه در منطقه کبابیان کنار نهري واقع بوده و در حدود ۳۰۰ طفل در آن تدریس میشوند. با مدیر و معلمین از صنوف لیسه بازدید کردیم. بعد بازدید صنوف با هیئت تدریسی در اطاق مدیر لیسه گردهم آمدیم و در باره وضع و تنظیم درسی صحبت کردیم. کدر معلمین بطور کل مشکلات خود را از ناحیه کمبود کتب درسی و وسایل لابرتوار های فزیک و کیمیا اظهار کردند. برایشان وعده دادم که در بازگشت به آلمان با منابع کمک هنده تماس گرفته و از نتیجه برایشان اطلاع خواهم داد. در جریان صحبت دو نفر از معلمین لست مواد ضرورت را ترتیب دادند.

بعد از صرف چای و اهدای يك مشت پول به هوتل بازگشتم.

شب در منزل سدو اصیل، منزل محقری که با سطرنجی فرش شده و در طبقه اول يك دکان در کنار جاده پر سروصدای کبابیان قرار داشت، گردهم آمدیم. کسانیکه در این شب یکجا شده بودند، عبارت بودند از اسحق عثمان، توریالی عثمان، داکتر عزیزالله لودین، داکتر زهین، سردار محمد روشن، وزیر محمد جدران، پادشاه خان جدران،



عبدالحنان جاجی، عبدالحیکم آریوبی و يك تعداد دوستان

دیگر اصیل. (این تصویر مربوط به زمان دیگری است که همه داخل نمی باشند)

بعد از صرف شام صحبت روی نهضت "اسولا" دور خورد که بروی اساسنامه "جمعیت تحکیم وحدت، اسولا" انگیزه اصلی این ساختار سیاسی را توضیح دادم. اساساً توجه بیشتر به این اصل شده که فشر تعلیم یافته و کار

شناسان سابق افغان در اروپا و امریکا مخصوصاً، از چ به ر: حنان جاجی-اصیل-سردار محمد-اسحق عثمان-داکتر زهین خود را در خدمت جهاد قرار دهند و سعی ورزند تا گروه های مقاومت را بسیج نمایند و از میان ایشان يك سخنگوی وارد، محافل بین المللی را با جهاد برحق افغان آشنا کند. در پرنسیپ این تحرك يك سرمایه بزرگ اندیشه های افغانی ارزیابی گردید. اما برخلاف هر يك شان از اجرات رهبران و کدر کار گردانان جهادی در



وزیر محمد خان جدران- مایار

پاکستان شکایتها داشتند و از مشکل توفیق حرکات ملی چون "اسولا" در تغیر مسیر فعلی پشاور تذکر دادند.

از صحبتها معلوم شد که شکایتها بیشتر از سه تنظیم بنام "ملیگراها" بود، زیرا هیچ يك از این رهبرها نمیخواهند کسی در حلقه داخلی اداره شان تماس بگیرد و یا در آن داخل شود. امور حیاتی اداره تنظیمها در دست فرزندان و یا معتمدین شخصی آنها گذاشته شده و به کسی از بیرون این حلقه اجازه نمیدهند تا در باره معلومات بدست آرند. از سلاح فروشی و به

نفع خود اندوختن سرمایه یاد ها کردند که تفصیل آنرا بدون ارایه سند لازم نمی بینم.

حاضرین هر کدام بنوبه از وضع پیشرفت جهاد و قدرت مقاومت مردم با افتخار یاد کردند و واضح شد که ملت افغان برای اعلاى كلمت الله و آزادی افغانستان بدون چشمداشت هیچ امتیازی قربانی میدهند و تاثیر رهبران جهادی، مخصوصاً ملیگراها، در تصمیم قربانی دادن ملت افغان بسیار کم و ناچیز است. سدو اصیل مخصوصاً با صراحت لهجه از خود پرستی و خود نگرى رهبران انتقادات داشت.

داکتر عزیزالله لودین که سال گذشته با هم در آلمان آشنا شده بودیم با حرکت انقلاب اسلامی همکاری دارد و سخت تلاش دارد تا اتحاد سالمی بین گروه های جهادی خلق کند و دستگاه فامیلی را به يك اداره بزرگ جهادی تعدیل کند، از اینکه در این راه موفق میشود و یا خیر سوالیست جداگانه.

برای اینکه راه حلی را جستجو کرده باشیم تصمیم گرفته شد که باید قدمهای اساسی در ساختمان يك شورای اجراییوی طوری گذاشته شود که باعث تخریش رهبران جهادی نشده و قدم بقدم پیشرفت حاصل گردد. این نظر مورد بحث قرار گرفت که:

- اتحاد اسلامی مجاهدین از گروه ملیگراها در رأس قرار گرفته و قابل قبول باشد  
- قدم اول: سعی شود تا برهان الدین ربانی و مولوی یونس خالص داخل این اتحاد شوند.  
(قرار معلوم ربانی و خالص از ناحیه دسترسی به کمکهای نقدی از طریق اخوانی ها نسبت به گلبدین حکمتیار مشکل دارند که چانس ائتلاف شان با اتحاد امکان بیشتر دارد)

- قدم دوم: جنرال عبدالولی از روم به پشاور آمده و بعضویت شورای اتحاد شامل گردد.  
- قدم سوم: گروه های مقاومت در اروپا و امریکا با "جمعیت تحکیم وحدت، اسولا" ائتلاف کرده و تحت قیادت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه همکاری خود را با اتحاد اسلامی مجاهدین اعلام بدارد و همچنان نمایندگان این ائتلاف وسیع در اروپا، با تناسب سالم، در شورای اتحاد مجاهدین اسلامی معرفی و شامل شوند.  
از صحبتها معلوم شد که در آلمان و امریکا به رهبران ملیگراها تفهیم شده که با "جمعیت تحکیم وحدت، اسولا" همکاری کنند و قرار معلوم آلمانها به آنها گفته اند در صورت "اتلاف" با اسولا، حکومت جرمنی حاضر است تا ۳۰ میلیون مارک؟ بدسترس شان بگذارد.

(یاد آوری: از جریان داخلی اسولا اطلاع دارم، چنین خبری در آنجا شنیده نشده).  
در صحبت از نشست در امور اجراییوی "اسولا" و عدم هم آهنگی این تحرك و قشر روشنفکر افغان در اروپا و امریکا یاد شد که آنرا بصراحت تائید کردم. علاوه از مذاکرات اخیر پیر گیلانی در واشنگتن بمعیت داکتر فاروق اعظم صحبت بمیان آمد شکایت شان از ناحیه سپردن امور سیاسی اتحاد به داکتر اعظم بالا بود. نکاتیکه لازم بود آنرا یاد داشت گرفته و وعده کردم که در باره با هیئت اجراییه اسولا در آلمان مطرح کنم. محفل فراموش ناشدنی که تا حوالی دو شب دوام کرد.

ادامه دارد